

A study of the news of the life and political, cultural and social image of Hazrat Fatima (PBUH) in historical sources up to the fifth century AH

Mohammad Rezaei^{1*}

1. Associate Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.

Received: 2024/07/09

Received in Revised Format: 2024/08/14

Accepted: 2024/08/31

Published: 2025/03/21

Abstract

Hatred Fatima Zahra (PBUH) is considered one of the prominent figures of the Islamic world and respected by Muslims. At a certain point in the history of early Islam, especially after the death of the Prophet (PBUH) and the Saqifa movement, she played a very important and prominent role in the cultural, political and social arena. Despite her role in some developments of the Prophetic era, her opposition to the Saqifa movement and her support for the guardianship and succession of Imam Ali (PBUH) are considered to be the turning points of her short but influential life. The present study, using a descriptive-analytical method and relying on library resources, especially historiographic books from the early centuries until the end of the fifth century AH, attempts to identify the reflection of her life and activities in historical sources and find an answer to this question: How has the life and role of Hazrat Fatima Zahra (PBUH) been reflected in historiographic sources and which issues have received more attention and reflection?

Keywords: History, Historiography, News, Approach, Cultural Activity

Cite as: A study of the news of the life and political, cultural and social image of Hazrat Fatima (PBUH) in historical sources up to the fifth century AH. Iranian History of Culture. 2025; 2(1): 1-14.

Owner and Publisher: University of Tabriz

Journal ISSN (online): 30608066

Access Type: Open Access

DOI: 10.22034/IHC.2024.19227

*Corresponding Author: Mohammad Rezaei, Associate Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.
ac.m.rezaei@azaruniv.ac.ir

بررسی اخبار حیات و سیمای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حضرت فاطمه (س) در منابع تاریخی تا سده پنجم هجری

محمد رضائی^{۱*}

۱. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

چکیده

حضرت فاطمه زهرا (س) از چهره‌های مطرح جهان اسلام و مورد احترام مسلمانان به شمار می‌رود که در برهه‌ای خاص از تاریخ صدر اسلام، به‌ویژه پس از رحلت نبی اکرم (ص) و جریان سقیفه نقش بسیار مهم و پررنگی در عرصه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایفا نمود. باوجود نقش‌آفرینی ایشان در برخی تحولات عصر نبوی، مخالفت با جریان سقیفه و پشتیبانی و حمایت از ولایت و جانشینی امام علی (ع) از نقاط عطف حیات کوتاه ولی تأثیرگذار ایشان به شمار می‌رود. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، به‌ویژه کتب تاریخ‌نگاری قرون اولیه تا پایان سده پنجم هجری تلاش دارد انعکاس زندگی و فعالیت‌های ایشان را در منابع تاریخی مورد شناسایی قرار داده، پاسخی به این سؤال بیابد، حیات و نقش حضرت فاطمه زهرا (س) به چه نحو در منابع تاریخ‌نگاری انعکاس یافته و کدام مسائل از توجه و بازتاب بیشتری برخوردار بوده است؟

کلیدواژه‌ها: تاریخ، تاریخ‌نگاری، خبر، رویکرد، فعالیت فرهنگی

نحوه ارجاع: "بررسی اخبار حیات و سیمای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حضرت فاطمه (س) در منابع تاریخی تا سده پنجم هجری". تاریخ فرهنگ ایران. ۱۴۰۴: ۱(۱)۲: ۱-۱۴.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۸۰۶۶-۳۰۶۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2024.19227

مقدمه

حیات و نقش حضرت فاطمه زهرا (س) در تحولات دوره کوتاه زندگی از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و مورد توجه مورخان قرار گرفته است. با وجود این، غفلت نویسندگان از ثبت مسائل مختلف حیات ایشان موجب شده تا بسیاری از زوایای زندگی و فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایشان به‌ویژه پس از جریان سقیفه در پرده ابهام قرار گیرد. از سوی دیگر، جریان سقیفه سرآغاز تغییر و تحولاتی در جامعه اسلامی شد که پیامدهای چندی همچون شکل‌گیری نهاد خلافت و تقدس آن را در پی داشت و همین امر سبب شد تا نویسندگان به ثبت مسائل مرتبط با آن اقدام نمایند. براین اساس نقش حضرت فاطمه در تحولات این دوره مورد توجه و موضوع بخشی از تاریخ اسلام شد ولیکن پرداخت به برخی مسائل چالشی که از نگاه عقیدتی تعداد زیادی از مسلمانان قابل‌پذیرش نبود، موجب شد تا به‌صورت عمدی یا سهوی بخش مهمی از تاریخ و نقش سیاسی - اجتماعی حضرت فاطمه (س) به فراموشی سپرده شده، محل مشاجرات و گاه سوءاستفاده قرار گیرد.

نظر به اهمیت حیات و سیره حضرت فاطمه به‌عنوان دختر پیامبر (ص) و مادر ائمه پژوهش‌های ارزشمندی در قالب‌های مختلف انجام‌یافته است. تعداد نسبتاً زیادی کتاب طی چهار دهه اخیر در مورد زندگی ایشان منتشر شده که نظر به کثرت، تنها به دو نمونه از آنها اشاره خواهد شد. از جمله کتاب‌های این حوزه «زندگانی فاطمه زهرا (س)» را می‌توان نام برد که نویسنده به حیات ایشان و به‌ویژه تأثیر در حوزه‌هایی مانند ادبیات پرداخته است (شهیدی، ۱۳۸۶). در «دانشنامه فاطمی» به ابعاد مختلف زندگی، فضایل و مسئله حقوق زن و خانواده و نیز منزلت ایشان توجه شده است (رشاد، ۱۴۰۱). مقالات زیادی نیز در این حوزه انجام یافته است. از جمله مقاله‌ها می‌توان «فرا نقش هدایت‌گری و سیره اجتماعی فاطمه (س) درآمد روش‌شناسی» را نام برد که سیره اجتماعی و نقش هدایت‌گری ایشان را در ارائه الگوی مناسب برای عامه مورد بررسی قرار داده است (الویری، ۱۳۸۸). پژوهش‌هایی نیز در قالب پایان‌نامه صورت گرفته است. از جمله پایان‌نامه‌ها می‌توان رساله دکتری «تأثیر منزلت و شخصیت حضرت فاطمه (س) در حیات فرهنگی و تمدنی مسلمانان تا پایان قرن پنجم» (مهوش منصف، ۱۳۹۹)، «بررسی تحلیلی گزاره‌های مربوط به دیدگاه «نارضایتی» حضرت فاطمه زهرا (س) نسبت به خلفا (شیخین) در منابع اهل سنت تا قرن ۷» (حیدر، ۱۴۰۰)، «بررسی سیر تاریخی نگاه مورخان اهل سنت به حضرت فاطمه (س) از آغاز تا قرن هفتم هجری» (موسوی، ۱۳۸۹)، «حضرت فاطمه زهرا در آثار مستشرقان» (کاظم الشحمانی، ۱۳۹۹)، «مواضع سیاسی حضرت زهرا (س) در دفاع از ولایت» (رضوی، ۱۳۸۴) را نام برد که هرکدام با توجه به‌عنوان، موضوع خاصی را در ارتباط با حیات حضرت فاطمه مورد بررسی قرار داده‌اند. با وجود اهمیت این پژوهش‌ها همچنان بسیاری از مسائل این دوره در هاله‌ای از ابهام بوده و محل مناقشه است.

پیشینه و روش تحقیق

در پژوهش حاضر تلاش می‌شود حیات حضرت فاطمه (س) را باتکیه بر منابع تاریخ‌نگاری تا انتهای سده پنجم بدون لحاظ منابع روایی مورد بررسی قرار داده، پاسخی به سؤال زیر بیابیم.

حیات و نقش حضرت فاطمه زهرا (س) به چه نحو در منابع تاریخ‌نگاری انعکاس یافته و کدام مسائل از توجه و بازتاب بیشتری برخوردار بوده است؟

به نظر می‌رسد توجه چندانی به حیات و نقش سیاسی - اجتماعی حضرت فاطمه در عصر نبوی نشده و اخبار این برهه به شکلی کلی و گذرا پرداخت شده است. در مقابل حیات سیاسی و مواضع ایشان در مقابل جریان سقیفه و مؤلفه‌های ناشی از آن از توجه و پرداخت بیشتری برخوردار بوده است

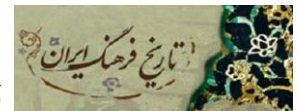
بحث(متن مقاله)

۱- بررسی اجمالی نگاه مورخین به حیات حضرت فاطمه (س)

بررسی منابع حاکی از آن است که اطلاعات آنها اندک بوده و بسیاری از زوایای حیات ایشان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. به نظر می‌رسد آنچه در این مهم تأثیر نهاده علاوه بر کوتاه‌بودن دوره زندگی، مفقودشدن برخی تکه‌نگاری‌های^۲ صورت گرفته است. این دو عامل سبب شده اطلاع کاملی از وقایع دوره حیات، به‌ویژه نقش ایشان در مسائل سیاسی، اجتماعی، را در اختیار نداشته باشیم که پیامد آن عدم امکان بررسی دقیق‌تر سیمای سیاسی اجتماعی ایشان است.

نظر به عدم دسترسی به تکه‌نگاری‌ها، تکیه عمده در بررسی تاریخ زندگی ایشان بر روی منابع تاریخی و روایی است که اخبار آنها گاه در تضاد با هم قرار دارند. در مقاله حاضر تلاش می‌شود باتکیه بر منابع تاریخ‌نگاری تاحدامکان دوره زندگی و سیمای سیاسی - اجتماعی حضرت فاطمه (س) مورد واکاوی و بازشناسی قرار گیرد. در این منابع به شکلی مختصر به ولادت، برخی حوادث کودکی، هجرت، ازدواج و ولادت فرزندان پرداخته شده است. در اکثر آثار به‌ویژه تواریخ عمومی نویسندگان اخبار ولادت تا رحلت را در لابه‌لای مطالب دیگر بر اساس سال ثبت کرده‌اند. در مقایسه با موارد یاد شده، حوادث پس از رحلت نبی اکرم به‌ویژه مسائل بعد سقیفه از توجه به‌مراتب بیشتری برخوردار بوده است.

^۲ - در لابه‌لای برخی کتاب‌ها به تکه‌نگاری‌های صورت گرفته که امروزه در دسترس نیست اشاره شده است. از جمله آنها می‌توان به اخبار فاطمه الزهرا، اخبار فاطمه و الحسن و حسین، اخبار فاطمه، تزویج فاطمه، رساله فی حقیقه الفدک، الضامه الفاطمه و دو کتاب با عنوان فدک را نام برد.



مقاله پژوهشی

بررسی آماری اخبار منابع باتوجه به موضوعات، حاکی از آن است که یعقوبی با ۹ خبر و طبری و ابن سعد با ۸ خبر بیشترین پرداخت را به حوادث مختلف حیات ایشات از ولادت تا دیدار معبود داشته‌اند. در اکثر منابع نیز سه یا چهار خبر در این خصوص ثبت شده است. در تعدادی از کتب نیز تنها به یک موضوع خاص مانند فدک و مسائل مرتبط با آن توجه شده که در پاره‌ای از آنها به اشاره کوتاه بسنده شده و تعدادی مانند ابن شبه نمیری باتکیه بر رویدادهای پس از سقیفه به ارائه اطلاعات بیشتری از این جریان پرداخته‌اند.

۲- نگاهی گذرا به حیات فردی حضرت فاطمه (س)

۲-۱- ولادت و ایام کودکی

اخبار موجود در مورد این مقطع از حیات ایشان مانند سایر ادوار به اشکال متفاوت و بدون دقت ثبت شده است. در مورد تاریخ دقیق ولادت اختلافاتی قابل مشاهده است. تعدادی پیش از بعثت و برخی پس از آن را زمان ولادت دانسته‌اند. در تاریخ یعقوبی و تاریخ قم زمان ولادت پنج سال بعد از بعثت (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱/ ۳۷۵؛ قمی، ۱۳۶۱: ۱۹۴-۱۹۳) در برخی منابع هشت سال قبل از هجرت (مسعودی، ۱۳۷۴: ۱/ ۶۴۴) و در برخی تنها به ولادت بدون اشاره به زمان اقدام شده است (ابن قتیبه، ۱۹۹۲: ۱۳۳). تعدادی از نویسندگان نیز این مسئله را در سال اول بعثت و سن ۴۱ سالگی پیامبر دانسته‌اند (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲: ۴/ ۱۸۹۳). در مقابل تعداد اندکی زمان تولد حضرت فاطمه (س) را پیش از بعثت می‌دانند. باتوجه به اینکه در منابع، تاریخ تولد با بنای کعبه مقارن بوده و بنای کعبه دو بار، یکبار پیش و بار دیگر پس از بعثت اتفاق افتاده، این عامل سبب اشتباهاتی شده است. برای مثال ابوالفرج اصفهانی زمان آن را پیش از بعثت و زمان بنای کعبه دانسته است (اصفهانی، ۱۳۳۹: ۱/ ۶۷). علاوه بر سال و ماه در خصوص روز ولادت نیز بین نویسندگان اتفاق نظر وجود ندارد.

غیر از زمان ولادت، اطلاعاتی از حوادث دوران کودکی و نوجوانی جز اشاراتی اندک به ازدست دادن مادر مشاهده نمی‌شود (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱/ ۳۹۳). دومین خبر موجود از این دوره در ارتباط با حمایت از نبی خدا در جریان آلوده کردن لباس پیامبر توسط مشرکان در حین سجده است که بعدا بدان پرداخته خواهد شد.

۲-۲- هجرت

هجرت پیامبر (ص) به عنوان سرآغاز عصری جدید و یکی از تکالیف مسلمانان در راستای تقویت دارالایمان در برابر دارالکفر از اهمیت بسیاری برخوردار است. هجرت پیامبر (ص) سبب شد تا خانواده ایشان به ویژه حضرت فاطمه در مکه باقی بمانند، لذا هجرت حضرت اندکی پس از پدر صورت گرفت، ولی زمان دقیق آن مشخص نیست. اخبار هجرت ایشان به مدینه به سه شکل متفاوت قابل مشاهده است. در برخی منابع تنها به هجرت اشاره شده و نامی از همراهان به ویژه امام علی (ع) نمی‌یابیم (ابن هشام، ۱۳۷۹: ۲/ ۲۷۲). برخی نویسندگان نیز به اعزام زید بن حارثه و ابو رافع به مکه جهت فراهم کردن مقدمات هجرت خانواده پیامبر (ص) اشاره دارند (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۱/ ۲۲۳). در تعدادی از اخبار موجود که از صحت بیشتری برخوردار هستند به نقش علی (ع) در همراهی دختر پیامبر تأکید شده است.

۲-۳- ازدواج

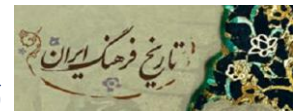
جریان ازدواج با امام علی (ع) از دیگر موارد موردتوجه مورخان است، ولیکن جزئیات آن چندان روشن نیست (ابن حزم، ۱۹۸۳: ۱۶). در کنار آن گاه اخبار مشکوکی نیز قابل مشاهده است. در خصوص خواستگاری، میزان مهریه تاریخ عقد و سپس حضور در خانه امام علی نیز اطلاع چندان زیادی در دست نیست. در برخی منابع به جریان خواستگاری برخی صحابه و عدم پذیرش آن، تشویق امام جهت خواستگاری، اعتراضات و پاسخ پیامبر اشاره شده است (بلاذری، ۱۹۹۶: ۱/ ۴۰۲؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱/ ۴۰۰؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۶۵).

تعدادی زمان ازدواج را دو ماه پس از هجرت (یعقوبی، ۱۳۶۱: ۱/ ۴۰۰)، برخی یک سال پس از آن یعنی سال دوم ثبت کرده‌اند، با قید این جمله که «کمتر از آن نیز گفته» شده است (مسعودی، ۱۳۷۴: ۱/ ۶۳۷؛ همو، ۱۳۶۵: ۲۱۴؛ خلیفه بن خیاط، ۱۹۹۵: ۳۶؛ اصفهانی، ۱۳۳۹: ۱/ ۶۷). زمان آن نیز به اختلاف سال دوم هجرت، چند روز مانده به آخر ماه صفر (طبری، ۱۳۷۵: ۳/ ۹۳۸؛ اصفهانی، ۱۳۳۹: ۱/ ۶۷) و نیز پس از احد ثبت شده است (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲: ۴/ ۱۸۹۳). در خصوص سن حضرت فاطمه در زمان ازدواج و انتقال به خانه شوهر نیز اختلافاتی قابل مشاهده است. برخی نویسندگان سن ایشان را در زمان ازدواج هجده (اصفهانی، ۱۳۳۹: ۱/ ۶۷) و تعدادی نه سال ثبت کرده‌اند (قمی، ۱۳۷۴: ۲/ ۱۹۴). از دیگر موارد مورد اشاره میزان مهریه و نحوه تامین آن است (مقدسی، ۱۳۷۴: ۲/ ۷۳۲، بلاذری، ۱۹۹۶: ۱/ ۴۰۲؛ ابن عبدالبر، ۱۹۹۲: ۴/ ۱۸۹۴). از دوره زندگی مشترک جز اشاراتی به ساده زیستی، فرزندان و حضور در برخی مسائل سیاسی و اجتماعی گزارشی در دست نیست.

باوجود پیوند استوار و آسمانی، گاه اخباری در منابع مطرح شده که نیازمند بررسی و دقت است. از جمله این مسائل نوع رابطه میان امام علی (ع) و فاطمه (س) است که بخشی از آن گزاره‌هایی را شامل می‌شود که به وجود اندک اختلاف میان ایشان اشاره دارد. برای نمونه در برخی منابع استفاده از لقب ابوتراب برای امام علی (ع) را به اختلاف زناشویی نسبت داده، مدعی هستند هر زمان اختلافی بین ایشان روی می‌داد علی بدون آنکه سخنی گوید از خانه خارج شده و قدری خاک روی سر می‌ریخت (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱/ ۳۹۶؛ طبری، ۱۳۷۵: ۳/ ۹۷۶). به‌هرحال امکان جعل چنین اخباری دور از ذهن نبوده و رعایت جانب احتیاط لازم می‌نماید.

۲-۴- فاطمه (س) ام‌اُمّه

تعداد اولاد و اسامی ایشان از دیگر موارد گزارش شده از سوی مورخان است. اخبار ولادت فرزندان نیز کلی و در حد اشاراتی کوتاه بیان شده است. اخبار منابع دراین خصوص را می‌توان به دودسته تقسیم نمود. تعدادی از مورخین تنها به چهار تن از فرزندان ایشان اشاره دارند (طبری، ۱۳۷۵: ۳/ ۱۰۴۳؛ ابن سعد، ۱۳۷۴: ۳/ ۱۳؛ ابن عبدالبر، ۱۹۹۲: ۴/ ۱۸۹۴). دسته دوم با تفاوت‌هایی، محسن را نیز در ذیل فرزندان آن حضرت قید کرده‌اند (بلاذری، ۱۹۹۶: ۱/ ۴۰۲-۴۰۳؛ ابن قتیبه، ۱۹۹۲: ۱۴۳؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۱۳۰؛ قمی، ۱۳۶۱: ۱۹۲). برخی تنها به ذکر نام اکتفا کرده‌اند؛ ولی تعدادی به‌صورت گذرا به رد یا اثبات وجود سومین فرزند پسر پرداخته‌اند. برای مثال نویسنده تاریخ قم خبر از سقط وی بدون اشاره به علت آن می‌دهد (قمی، ۱۳۶۱: ۱۹۲). نویسنده آفرینش و تاریخ نیز می‌نویسد: «و نیز محسن را زاد و او همان است که شیعه معتقداند از ضربت عمر سقط شده است» (مقدسی، ۱۳۷۴: ۲/ ۷۳۳). از سوی دیگر نویسندگانی مانند واقدی اصل خبر را جزء مطالبی



مقاله پژوهشی

می‌داند که به نظر وی رافضیان اضافه کرده‌اند (واقدی، ۱۹۹۰: ۴۷). منابع تاریخی دوره مورد نظر امکان بررسی دقیق این موضوع را میسر نمی‌کنند و آنچه در منابع روایی در خصوص سومین فرزند پسر مطرح شده نیز محل اختلاف است.

۲-۵- مناقب حضرت فاطمه (س)

در لابه‌لای برخی منابع تاریخ‌نگاری فضایل حضرت زهرا به اشکال مختلف انعکاس یافته است. از جمله فضایل ایشان به‌عنوان عضوی از اهل‌بیت، حضور در جریان مباحله را می‌توان مثال زد (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱ / ۴۵۱). حدیث کساء که تعدادی از مورخان بدان اشاره دارند، از دیگر مواردی است که جایگاه بالای اهل‌بیت را مورد تأکید قرار داده است (ابن قتیبه، ۱۹۹۲: ۸۴).

برتری و سروری ایشان نسبت به سایر زنان که از زبان پیامبر (ص) بیان و به اشکال مختلف همچون «سید زنان بهشت» (بلاذری، ۱۹۹۶: ۱ / ۴۰۵)، «سرور بانوان امت» (مزاحم منقری، ۱۳۷۰: ۱۴۵)، «سید زنان عالم» (بیهقی (۲)، ۱۳۶۱: ۶۳) ثبت شده از دیگر موارد موجود در منابع این دوره است. در آثار مختلف سخن پیامبر (ص) مبنی بر اینکه هر که فاطمه را شاد کند مرا شاد کرده و هر که وی را بیازارد^۳ مرا آزرد^۴ قابل مشاهده است (دینوری، ۱۳۸۰: ۱۳۱). این سخن پیامبر از چنان اهمیتی برخوردار بود که خلیفه اول در دیداری که گویا با وساطت علی (ع) در فضایی سرد برگزار شده، مجبور به اعتراف به جایگاه برتر ایشان شد (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۲ / ۲۹۴).

۲-۶- دیدار معبود

رحلت یا شهادت حضرت فاطمه (س) و حوادث مرتبط با آن یکی از مسائل اختلافی میان مسلمانان است و هر کدام از اصحاب مذاهب باتوجه‌به گرایش‌های خود به این رویداد نگاهی متفاوت دارند. یکی از اخباری که در برخی منابع بدان اشاره شده مژده پیامبر مبنی بر پیوستن به پدر به‌عنوان اولین فرد از خاندانش می‌باشد (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۲ / ۱۸۸ و ۲۳۴؛ طبری، ۱۳۷۵: ۳ / ۸۴۱؛ بلاذری، ۱۹۹۶: ۱ / ۴۰۲).

علاوه بر آن خبری از دوره بیماری فاطمه (س) در برخی منابع ثبت شده که حاکی از آزرده‌گی از دورویی مردم و ناسپاسی در حق بازماندگان نبی مکرم اسلام است. برای مثال به نوشته یعقوبی در جریان دیدار با همسران پیامبر و زنان قریش به عدم رعایت وصیت پیامبر و بی‌حرمتی روی داده، تأکید نموده است. همچنین این سخنان نشان از برخی آزارهای زبانی زنان دارد، چرا که در ادامه درخواست ایشان جهت حضور در مراسم کفن‌ودفن را رد کرده است (یعقوبی، ۱۳۷۵: ۱ / ۵۱۲).

در مورد سن و زمان دیدار معبود اخبار موجود آشفته و متفاوت است. در برخی منابع این واقعه را سه ماه پس از رحلت پیامبر (ص) (طبری، ۱۳۷۵: ۴ / ۱۳۶۸؛ اصفهانی، ۱۳۳۹: ۱ / ۶۷؛ مسعودی، ۱۳۶۵: ۲۶۴؛ بلاذری، ۱۹۹۶: ۱ / ۴۰۲؛ مقدسی، ۱۳۷۴: ۲ / ۷۳۳)، تعدادی شش ماه (اصفهانی، ۱۳۳۹: ۱ / ۶۷؛ مسعودی، ۱۳۶۵: ۲۶۴؛ ابن سعد، ۱۳۷۴: ۲ / ۱۸۸؛ ابن شیه نمیری، ۱۳۸۰: ۱۹۲؛ بلاذری، ۱۹۹۶: ۱ / ۴۰۲) در برخی هشت ماه پس از پیامبر (ص) ثبت شده است (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲: ۴ / ۱۸۹۴). علاوه بر آن تعدادی از نویسندگان وقوع آن را هفتاد روز (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲: ۴ / ۱۸۹۴؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱ / ۵۱۲-۵۱۱؛ مسعودی، ۱۳۷۴: ۱ / ۶۳۷؛ ابن شیه نمیری، ۱۳۸۰: ۱۱۵)، برخی هفتاد و پنج‌روز (قمی، ۱۳۶۱: ۱۹۴-۱۹۳؛ دینوری،

^۳- البته گاهی تلاش‌هایی جهت تحریف میزان محبت پیامبر (ص) به ایشان صورت گرفته است. برای نمونه رک: بیهقی (۱)، ۱۳۶۱: ۲ / ۳۱۸-۳۱۹.

مقاله پژوهشی

۱۳۸۰: ۱۳۱)، تعدادی چهل روز یا شب (اصفهانی، ۱۳۳۹: ۶۷ / ۱؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۵۱۲-۵۱۱؛ مسعودی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱: ۶۳۷)، برخی سی شب (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۵۱۲-۵۱۱) و دسته‌ای صد روز پس از رحلت پیامبر (ص) می‌دانند (مقدسی، ۱۳۷۴: ۲ / ۷۳۳؛ ابن قتیبه، ۱۹۹۲: ۱۴۳-۱۴۲).

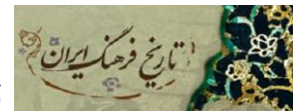
وفات ایشان در سال ۱۱ هجری اتفاق افتاد (مسعودی، ۱۳۷۴: ۶۴۶ / ۱) ولی ماه به اشکال مختلف ثبت شده است. برخی جمادی الاولی و جمادی الآخر (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۵ و ۴۵۸) و برخی سه شنبه سوم رمضان (مسعودی، ۱۳۶۵: ۲۶۴؛ طبری، ۱۳۷۵: ۱۳۶۷ / ۴) را قید می‌نمایند. سن و مدت عمر ایشان نیز به اشکال مختلف هجده سال و هفتاد و پنج‌روز (قمی، ۱۳۶۱: ۱۹۳-۱۹۲)، بیست و سه سال (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۵۱۲ / ۱) و بیست و نه سال ثبت شده و برخی متذکر می‌شوند که کمتر از این نیز گفته شده است (مسعودی، ۱۳۶۵: ۲۶۴). لازم به ذکر است که در آثار دوره مورد بررسی گاهی یک، در پاره‌ای موارد دو و حتی سه زمان برای این رویدادها قید شده و متذکر می‌شوند اقوال دیگری نیز وجود دارد. آنچه در این میان حائز اهمیت است اینکه «علی از غم مرگ او سخت بنالید» (مسعودی، ۱۳۷۴: ۶۴۶ / ۱) چرا که همانگونه که بعداً مطرح خواهد شد حضرت فاطمه از فردای رحلت پیامبر (ص) مهمترین حامی و پشتیبان ولایت بوده است.

۳- حیات اجتماعی و سیاسی حضرت فاطمه (س)

نقش‌آفرینی ایشان در عرصه اجتماعی و سیاسی را می‌توان در دو برهه زمانی عصر نبوی و دوره پس از آن مورد بررسی قرار داد. باتوجه‌به اخبار اندک منابع و با لحاظ ویژگی‌های فرهنگی آن دوره، اطلاع چندانی از نقش فاطمه (س) در مسائل اجتماعی و سیاسی دوره پیامبر در دست نیست و تنها اشارات گذرای در خصوص حضور اجتماعی قابل‌مشاهده است. در ادامه تلاش می‌شود ضمن دسته‌بندی اخبار موجود تا حدودی نقش ایشان را در مسائل مختلف این دوره مورد بازشناسی قرار دهیم.

۳-۱- دفاع از نبوت

یکی از مسائل دوره پیش از هجرت تلاش مشرکان در آزار پیامبر (ص) و مسلمانان را می‌توان نام برد. در یکی از این موارد تعدادی از مشرکان قصد حمله به پیامبر را داشتند. تاریخ دقیق این رویداد و اینکه فاطمه (س) در این زمان چند ساله بوده روشن نیست، ولیکن آگاهی از این توطئه و اطلاع به‌موقع مانع از تحقق هدف مشرکان شد (بیهقی (۱)، ۱۳۶۱: ۲ / ۴۳). نمونه دیگر چنانکه پیش‌تر اشاره شد، جریان آلوده‌کردن پشت پیامبر (ص) یا احشاء حیوانات است که فاطمه (س) ضمن تطهیر با مرتکبین برخورد نمود (بلاذری، ۱۹۹۶: ۱ / ۱۲۵؛ بیهقی (۱)، ۱۳۶۱: ۲ / ۴۴-۴۳).



۳-۲- حضور در جنگ‌ها

در تعدادی از جنگ‌هایی که مشرکان بر مسلمانان تحمیل کردند زنان مسلمان حضور یافته و به ارائه خدماتی مانند پرستاری و فراهم کردن تدارکات لازم برای مجاهدان اقدام می‌کردند. حضرت فاطمه نیز در برخی از نبردها همراه سایر زنان حضور داشته‌اند. برای نمونه در جنگ احد زمانی که پیامبر (ص) زخمی شد، حضرت فاطمه به مراقبت و پرستاری ایشان پرداخت (واقعی، ۱۳۶۹: ۱۸۱-۱۸۰؛ ابن سعد، ۱۳۷۴: ۱/ ۳۸۲ و ۲/ ۴۶). همچنین در تأمین آب شرب سربازان مشارکت داشت (واقعی، ۱۳۶۹: ۱۸۰). در جریان فتح مکه نیز همراه پیامبر (ص) حضور داشته و به رفع حوائج ایشان اقدام می‌کرد (ابن هشام، ۱۳۷۹: ۲/ ۲۷۴؛ ابن سعد، ۱۳۷۴: ۲/ ۱۴۱).

علاوه بر جنگ‌ها در مراسم استقبال از سپاهیان و پیامبر (ص) در حین بازگشت از غزوات نیز حضور پررنگی داشته است (واقعی، ۱۳۶۹: ۱۸۰). حضور در مزار شهدای احد (واقعی، ۱۳۶۹: ۲۲۵)، تعمیر مقابر شهدا مانند حمزه (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۱۳/ ۳) و نیز تهیه غذا برای خانواده برخی شهدا از دیگر فعالیت‌های ایشان به شمار می‌رود (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱/ ۴۲۸).

یکی از موارد مورد اشاره منابع نقش سیاسی فاطمه (س) در ماجرای نقض صلح حدیبیه توسط مکیان است. پس از این رویداد ابوسفیان جهت جلوگیری از اقدامات مسلمانان راهی مدینه شد و تلاش نمود تا حضرت فاطمه (س) را راضی به شفاعت و حمایت از خود نماید که با مخالفت دختر پیامبر مواجه شد (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۲/ ۲۵۹-۲۵۸؛ واقعی، ۱۳۶۹: ۶۰۶).

۳-۳- فدک یک نشانه

از مسائل مهم پس از جریان سقیفه، مسئله اختلاف بین حضرت فاطمه (س) و خلیفه اول بر سر میراث پیامبر است. بر خلاف سایر ابعاد زندگی حضرت زهرا اخبار بیشتری در منابع پیرامون این جریان وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به دو گروه تقسیم کرد. در برخی کتب این مسئله به شکل مختصر (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲/ ۲۴۲) و در تعدادی با جزئیات بیشتری ثبت شده است.

در پی رحلت پیامبر (ص) حکومت وقت به توقیف سهم ایشان از فدک و خیبر اقدام کرد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۰). حضرت فاطمه (س) همراه عباس نزد خلیفه اول رفته^۴ و سهم خود را به‌عنوان میراث پیامبر (ص) در خواست کردند. پاسخ خلیفه به استناد حدیثی از پیامبر (ص) مبنی بر اینکه پیامبر ارث نمی‌گذارد، منفی بود (یعقوبی، ۱۳۷۷: ۲/ ۱؛ طبری، ۱۳۷۵: ۴/ ۱۳۳۵-۱۳۳۴؛ ابن سعد، ۱۳۷۴: ۲/ ۲۹۴). باوجود شهادت عده‌ای به نفع دختر پیامبر، حاکمیت بنا به عللی، از پذیرش آن سرباز زد. احتجاج فاطمه (س) نیز اگر چه به‌نوعی محکومیت خلیفه را سبب شد، نتیجه‌ای در پی نداشت و «ابوبکر سر پیچید از اینکه از اموال چیزی به فاطمه (ع) دهد» (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۲/ ۲۹۳؛ ابن شبه نمیری، ۱۳۸۰: ۱۹۶).

دلایل رد تقاضای دختر پیامبر (ص) به قول مترجم فتوح البلدان در شمار بهانه‌های حقوقی قرار دارد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۷)؛ لذا به نظر می‌رسد رد این درخواست و دلایل آن در راستای هدفی بزرگ‌تر بوده است. در پی رد این درخواست رابطه دو طرف تیره‌تر شده است. اخبار این قهر در برخی منابع به‌نوعی انعکاس یافته که خواننده را به سمت مسائل مالی و

^۴ - در برخی منابع به ارسال پیام اشاره شده است. (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۲/ ۲۹۲). در برخی منابع نیز علاوه بر ارسال پیام صحبت از حضور در مجلس خلیفه به میان آمده است (ابن شبه نمیری، ۱۳۸۰: ۱۹۲ و ۱۱۹).

دنیاپی سوق می‌دهد. باتوجه‌به اینکه مسئله فدک و نارضایتی حضرت از این موضوع بازتاب به مراتب بیشتری در منابع یافته و در برخی از آنها سعی شده علت عدم دعوت خلیفه به مراسم تدفین را به این موضوع و در نتیجه مطالبه اقتصادی و مشاجره در این باب پیوند دهند، به نظر می‌رسد در پررنگ کردن این مسئله عمداً یا سهواً سعی شده ذهن خواننده از عامل اصلی اختلاف که مسئله غصب جانشینی پیامبر بوده منحرف نمایند.

۳-۴- هتک حرمت خانه دختر پیامبر (ص)

یکی از مسائل مهم و محل اختلاف پس از رحلت پیامبر و سقیفه ورود بدون اجازه به خانه دختر پیامبر (ص) و پیامدهای آن است. در مورد این واقعه مهم اخبار موجود در منابع متفاوت و همراه با ابهاماتی است. برخی نویسندگان مانند ابن هشام بدون پرداخت به آن، تنها به جریان سقیفه اکتفا کرده‌اند. ولی برخی دیگر به مسائل پس از سقیفه ورود می‌نمایند. در منابع دسته اخیر نیز تفاوت‌هایی در نحوه ارائه گزارش واقعه مشاهده می‌شود. برخی نویسندگان تنها به حضور تعدادی از نزدیکان خلیفه اول در خانه حضرت فاطمه (س) بدون ذکر جزئیات بسنده کرده‌اند. در مقابل عده‌ای به تهدیدات صورت گرفته اشاره نموده‌اند، ولی به عملی شدن آن نپرداخته و از ذکر جزئیات خودداری کرده‌اند.

پس از بیعت با ابوبکر تعدادی از مهاجر و انصار در مخالفت با آن در خانه فاطمه (س) اجتماع کردند (طبری، ۱۳۷۵: ۴/ ۱۳۳۲). احتمالاً ترس از گسترش دامنه مخالفت‌ها موجب واکنش حامیان خلیفه شده است. به نوشته یعقوبی برخی چهره‌های نزدیک به خلیفه «با گروهی آمدند و به خانه هجوم آور شدند» که با تهدید حضرت فاطمه مجبور به ترک محل شدند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۵۲۷).

نویسنده کتاب امامت و سیاست جزئیات بیشتری از این واقعه به دست می‌دهد. از نوشته وی چنین به نظر می‌رسد که این رویداد طی دو مرحله اتفاق افتاده است. به نوشته وی عمر بن خطاب با گروهی به سوی متحصنین رفته، آن‌ها را به بیعت با ابوبکر فراخواند و درگیری مختصری روی داد (دینوری، ۱۳۸۰: ۲۷). وی در ادامه جزئیات بیشتری به دست می‌دهد و ضمن اشاره به پرسش خلیفه از تعداد همراهان علی (ع) می‌نویسد: «عمر را به سوی آنان فرستاد. عمر به در خانه علی آمد و از آنان خواست تا بیرون بیایند و با ابوبکر بیعت کنند ... عمر درخواست هیزم کرد و گفت: سوگند به کسی که جان عمر در دست اوست، بیرون آید و گرنه خانه و اهلش را به آتش خواهم کشید ... حتی اگر فاطمه نیز در خانه باشد» (دینوری، ۱۳۸۰: ۲۹). دینوری اشاره‌ای به عملی شدن این تهدید نمی‌کند ولی در ادامه متذکر شد که عمر خلیفه را به گرفتن بیعت از مخالفان تحریک کرد و وی قنفذ را دو بار به سرای فاطمه (س) فرستاد که هر دو بار وی پیغام حضرت را به خلیفه رسانید. در ادامه می‌نویسد: «عمر برخاست و گروهی نیز با وی آمدند ... آنان علی را از خانه بیرون آوردند و وی را نزد ابوبکر بردند» (دینوری، ۱۳۸۰: ۳۰-۲۹).

چنانچه اشاره شد در منابع تاریخی به جزئیات این رویداد که به شدت مورد انتقاد شیعیان است، پرداخت نشده است. برای نمونه اشاره‌ای به آتش زدن در و شکستن آن و آسیب به دختر پیامبر (ص)، کشیده علی (ع) بر روی زمین نمی‌یابیم. اگر چه مسائل ادوار بعدی و اعتقادات شکل گرفته پیرامون خلفا و صحابه عاملی در سانسور و یا عدم ذکر برخی مسائل بوده؛ و تعدادی از نویسندگان این رویدادها را ساختگی و جعلی دانسته‌اند، ولی اخبار موید ورود بدون اجازه به خانه دختر رسول خداست. اظهار پیشیمانی خلیفه اول در زمان فوت از تفتیش خانه فاطمه، بهترین گواه در صحت این رویداد بدون توجه به جزئیات آن است (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/ ۱۷؛ طبری، ۱۳۷۵: ۴/ ۱۵۷۲). لازم به توضیح است به نوشته مسعودی «در این باب

مقاله پژوهشی

سخن بسیار گفت» که این سخنان در منابع منعکس نشده است (مسعودی، ۱۳۷۴: ۱/ ۶۵۷). نویسنده کتاب وقعه صفین نیز به این رویداد از زبان امام علی (ع) اشاره کرده است (مزاحم منقري، ۱۳۷۰: ۲۲۳).

۳-۵- حمایت از ولایت؛ مخالفت با دستگاه خلافت

اگرچه در پی تقدس یافتن دستگاه خلافت به مرور زمان عده‌ای تلاش کرده‌اند جریانات پس از سقیفه و مخالفت حضرت فاطمه (س) را توجیه و یا به‌نوعی تفسیر نمایند تا به شأن خلفا خدش‌های وارد نشود، ولیکن برخی شواهد و اخبار موجود در منابع به‌روشنی موید تیرگی روابط دو طرف و مخالفت حضرت فاطمه (س) با خلیفه اول است. بهترین دلیل مخالفت فاطمه (س) با جریان سقیفه همراهی ایشان با امام علی را می‌توان مثال زد. ایشان در راه احقاق حق شب‌هنگام همراه با همسرش در مجالس انصار حضور یافته و از ایشان درخواست همراهی و حمایت داشت. ولی دودستگی انصار و سنن جاهلی و بهانه ایشان مبنی بر بیعت با ابوبکر مانع همراهی شد. حضرت در پاسخ استدلال انصار مبنی بر انجام بیعت با ابوبکر، متذکر شدند که «ابوالحسن آنچه سزاوار بود انجام داد و شما نیز کاری کردید که خداوند آن را حساب خواهد کرد» (دینوری، ۱۳۸۰: ۲۹).

از دیگر شواهد مخالفت با دستگاه خلافت را می‌توان در نوع برخورد با خلیفه و مشاورانش در قالب مقاومت منفی مشاهده کرد. ایشان تا زمان دیدار معبود با قهر، مخالفت خود را به شکل عملی نشان داد. بر اساس اخبار منابع فاطمه (س) از خلیفه غضبناک بوده «تا مرگ با او سخن نگفت» (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۲/ ۲۹۳؛ بخاری، ۱۹۸۷: ۳/ ۱۱۲۶ و ۴/ ۱۵۴۹؛ ابن شبه نمیری، ۱۳۸۰: ۱۹۲). این مسئله در منابع به انحای مختلف انعکاس یافته است و عمدتاً سعی شده آن را به رد درخواست میراث پیوند دهند، این در حالی است که اصل این مخالفت چنان‌که پیش‌تر اشاره شد به مسئله‌ای مهم‌تر یعنی غصب خلافت، بازمی‌گردد. فاطمه (س) تا پایان حیات خود حامی راسخ ولایت باقی ماند (مسعودی، ۱۳۶۵: ۲۵۴).

این مقاومت باتوجه‌به جایگاه دختر پیامبر مشروعیت خلیفه را با چالش مواجه می‌کرد. به نظر می‌رسد تلاش خلیفه برای آشتی بی‌ارتباط با این مسئله نبوده است. دینوری به پیشنهاد عمر جهت دلجویی از دختر پیامبر (ص) اشاره دارد. باوجود عدم تمایل فاطمه (س)، آن دو با وساطت امام علی موفق به این دیدار شدند، ولی نوع برخورد فاطمه (س) حاکی از ناراحتی عمیق از ایشان است (دینوری، ۱۳۸۰: ۳۰). سخنان حضرت نیز نشانی از آشتی ندارد «به خدا در هر نمازی که به پا دارم، از خدا علیه تو یاری می‌خواهم... شما دو نفر مرا به خشم آورده‌اید و مرا خشنود نکرده‌اید و هر گاه که پیامبر (ص) را دیدار کنم نزد او از شما دو نفر شکایت خواهم کرد» (دینوری، ۱۳۸۰: ۳۱). در سیمای ایشان بانویی به‌پاخاسته و خشمگین از رویکرد صحابه پس از رحلت در حمایت از ولایت قابل مشاهده است. این برخورد برای وجه خلافت بسیار سنگین بوده و میزان تأثیر مقاومت فاطمی را می‌توان در ابراز پشیمانی خلیفه اول مشاهده کرد.

عدم دعوت از خلیفه اول و همکارانش به مراسم تدفین نیز موید مخالفت با دستگاه خلافت است. بر اساس اخبار موجود که در منابع متعدد تاریخی ثبت شده ایشان به علی (ع) وصیت نمود تا وی را غسل دهد و ایشان شخصاً یا به کمک اسماء دختر عمیس بدان اقدام کرد (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱/ ۵۱۲؛ مسعودی، ۱۳۶۵: ۲۶۴؛ طبری، ۱۳۷۵: ۴/ ۱۳۵۴). در برخی اخبار اشاره شده که حضرت فاطمه (س) خود غسل کرده، مهبیای دیدار معبود شده است (ابن شبه نمیری، ۱۳۸۰: ۱۱۶-۱۱۵). از سوی دیگر این اقدام شبانه و بدون اعلان عمومی و اطلاع به خلیفه صورت گرفت (مسعودی، ۱۳۶۵: ۲۶۴؛ طبری،

۱۳۷۵: ۴/ ۱۳۳۵؛ بلاذری، ۱۹۹۶: ۱/ ۴۰۲ و ۴۰۵؛ ابن شبه نمیری، ۱۳۸۰: ۱۱۴) و تنها گروه اندکی از صحابه مانند سلمان فارسی، مقداد، ابوذر، عمار و حذیفه در مراسم شرکت داشته‌اند (ثقفی کوفی، ۱۳۷۳: ۳۶۰).^۵

شاهد دیگر این ادعا عدم بیعت امام علی (ع) است. باوجود فشارهای متعدد مقاومت و حمایت حضرت فاطمه سبب شد تا زمانی که ایشان در قید حیات بود علی با خلیفه اول بیعت ننماید (واقدی، ۱۹۹۰: ۴۷؛ دینوری، ۱۳۸۰: ۱۳۱؛ مسعودی، ۱۳۶۵: ۲۶۴). حتی خلیفه مجبور شد از مواضع خود عقب نشینی نماید و بگوید «تا زمانی که فاطمه در کنار اوست او را مجبور بر این کار نمی‌کنم» (دینوری، ۱۳۸۰: ۳۰). به نوشته مسعودی تا ایشان در قید حیات بود بنی هاشم نیز حاضر به بیعت نبودند (مسعودی، ۱۳۷۴: ۱/ ۶۵۷). زمانی که فاطمه (س) به دیدار معبود شتافت علی تنها ماند چرا که حمایت دختر پیامبر عاملی بازدارنده به شمار می‌رفت. نوشته طبری نیز موید این ادعاست، به نوشته وی «چنان بود که علی در زندگانی فاطمه جمعی را اطراف خود داشت و چون فاطمه درگذشت کسان از دور وی پراکنده شدند» (طبری ۱۳۷۵: ۴/ ۱۳۳۵). این سخن علی (ع) که بعد تو خود را به که تسلی دهم عمیقاً نشان از همراهی و حمایت همسرش دارد.

نتیجه

حیات حضرت فاطمه (س) نقطه تلاقی دو دوره پیش‌و پس از عهد نبوی را شامل بوده که علاوه بر نقش همسری و مادری در تحولات مختلف سیاسی و اجتماعی دوره بعثت و نخستین ماه‌های پس از رحلت به ایفای نقش پرداخته است؛ لذا بررسی حیات ایشان به‌عنوان بخشی از تاریخ صدر اسلام اهمیت داشته و به فهمی بهتر از وقایع این دوره یاری می‌رساند. براین‌اساس حیات ایشان موردتوجه مورخان قرار گرفته و به ثبت آن اقدام شده است. باتوجه به حساسیت‌های موضوع، لزوم اطمینان از این اخبار لازم می‌نماید. باتوجه به اطلاعات منابع دوره حیات کوتاه ایشان دو برهه را شامل است. اخبار ثبت شده از دوره اول باوجود طول بیشتر آن بدون دقت و به شکلی پراکنده و غیرمنسجم ارائه شده و عمدتاً از ولادت تا رحلت پیامبر و بیشتر مسائلی همچون ولادت، کودکی، هجرت، ازدواج و مسائلی از این‌دست را شامل بوده و به‌ندرت نقش اجتماعی و سیاسی حضرت فاطمه موردتوجه قرار گرفته است. در پی رحلت پیامبر (ص) عصر جدیدی آغاز شد که یکی از ویژگی‌های آن شکل‌گیری نهاد خلافت بود که در ادوار بعدی رنگ قدسی یافت. این مسئله و مؤلفه‌های ناشی از آن که با رویداد سقیفه شروع شد در حوزه‌های مختلف اثر نهاد که تاریخ و تاریخ‌نگاری نیز از این قاعده مستثنی نماند. این امر در ثبت حوادث دوره حیات حضرت فاطمه (س)، باتوجه به مخالف ایشان با جریان سقیفه و حمایت از ولایت، سبب گردیده جزئیات برخی رویدادهای مهم به‌صورت عمدی یا سهوی نادیده گرفته شود.

^۵ - در مورد همه حاضران در مراسم اتفاق‌نظر وجود ندارد. برای نمونه یعقوبی می‌نویسد: «به قولی عمار» (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱/ ۵۱۲).

منابع فارسی

۱. ابن سعد، محمد، ۱۳۷۴، طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
۲. ابن شبه نمیری، عمر، ۱۳۸۰، تاریخ مدینه منوره، ترجمه حسین صابری، تهران: نشر مشعر.
۳. ابن هشام، محمد بن اسحاق، ۱۳۷۵، سیره النبویه، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران: کتابچی.
۴. اصفهانی، ابوالفرج بن حسین، ۱۳۹۹، مقاتل الطالبین، ترجمه جواد فاضل، تهران: علمی.
۵. الیوری، محسن، ۱۳۸۸، «فرا نقش هدایتگری و سیره اجتماعی فاطمه (س) درآمد روش شناسی»، شیعه شناسی، ش ۲۸، صص ۳۰ - ۷.
۶. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۳۳۷، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: نشر نقره.
۷. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۱)، ۱۳۶۱، دلائل النبوه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: علمی و فرهنگی.
۸. بیهقی، علی بن زید (۲)، ۱۳۶۱، تاریخ بیهقی، تهران: کتابفروشی فروغی.
۹. ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، ۱۳۷۳، الغارات، ترجمه عزیز الله عطاردی، بی جا: عطارد.
۱۰. حسینی شاهرودی، محمد، ۱۳۷۷، فاطمه حامی ولایت، قم: شجره طویی.
۱۱. حیدر، سید اعجاز، ۱۴۰۰، «بررسی تحلیلی گزاره های مربوط به دیدگاه «نارضایتی» حضرت فاطمه زهرا (س) نسبت به خلفا (شیخین در منابع اهل سنت تا قرن ۷» پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته تاریخ اهل بیت (ع)، جامع آموزش عالی امام خمینی (ره) جامعه المصطفی.
۱۲. دینوری، ابن قتیبه، ۱۳۸۰، امامت و سیاست، سید ناصر طباطبایی، تهران: ققنوس.
۱۳. رشاد، علی اکبر، ۱۴۰۱، دانشنامه فاطمی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴. رضوی، عبد الهادی، ۱۳۸۴، «مواضع سیاسی حضرت زهرا (س) در دفاع از ولایت»، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته فقه و معارف اسلامی، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۵. زواری، سید حسین، ۱۳۹۰، زندگی نامه حضرت فاطمه (ع) از منظر شیعه و اهل سنت، قم: رسالت.
۱۶. سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۲۸، یاس در آتش؛ شهادت فاطمه زهرا (ع) در آینه اسناد تاریخی اهل سنت، ترجمه ابوالحسن عمرانی، قم: موسسه امام صادق (ع).
۱۷. شهیدی، سید جعفر، ۱۳۸۶، زندگانی فاطمه زهرا (ع)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۷۵، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
۱۹. علیزاده، عمران، ۱۳۷۷، دفاع از حریم حق، بی جا: رسالت.
۲۰. قطبی، هادی، ۱۳۹۰، بانوی بی نشان، بی جا: بهار دل ها.

مقاله پژوهشی

۲۱. قمی، حسن بن محمد، ۱۳۶۱، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن عبدالملک قمی، تحقیق سید جلال‌الدین تهرانی، تهران: توس.
۲۲. کاظم الشحمانی، احمد جواد، ۱۳۹۹، «حضرت فاطمه زهرا در آثار مستشرقان»، پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی‌ارشد رشته تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۳. گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک، ۱۳۶۳، تاریخ گردیزی، تحقیق عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
۲۴. مزاحم منقری، نصر، ۱۳۷۰، وقعه صفین، ترجمه پرویز اتابکی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۲۵. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، ۱۳۶۵، التنبه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۶. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، ۱۳۷۴، مروج الذهب و معادن الجوهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۷. مقدسی، محمد بن احمد، ۱۳۶۱، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان.
۲۸. مقدسی، مطهر بن طاهر، ۱۳۷۴، آفرینش و تاریخ، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.
۲۹. موسوی، فاطمه، ۱۳۸۹، «بررسی سیر تاریخی نگاه مورخان اهل سنت به حضرت فاطمه (س) از آغاز تا قرن هفتم هجری»، پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی‌ارشد تاریخ اسلام، دانشکده علوم سیاسی، اجتماعی، تاریخ و مدرسی معارف اسلامی دانشگاه باقر العلوم (ع).
۳۰. مهوش منصف، سعید، ۱۳۹۹، «تأثیر منزلت و شخصیت حضرت فاطمه (س) در حیات فرهنگی و تمدنی مسلمانان تا پایان قرن پنجم»، رساله جهت دریافت درجه دکتری، دانشکده فلسفه و اخلاق دانشگاه باقرالعلوم (ع).
۳۱. واقدی، محمد بن عمر، ۱۳۶۹، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر دانشگاهی.
۳۲. هاشمی حسینی، مهدی، ۱۳۸۰، فاطمه زهرا (س) در کلام اهل سنت، قم: حر.
۳۳. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح، ۱۳۷۱، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

منابع عربی

۱. ابن حزم، ابومحمد علی، ۱۹۸۳، جمهره انساب العرب، تحقیق لجنة من العلماء، بیروت: دارالکتب.
۲. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف، ۱۹۹۲، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دارالجلیل.
۳. ابن قتیبہ، ابومحمد عبدالله بن مسلم، ۱۹۹۲، المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، قاهره: الہیہ المصریہ العامہ للکتاب.
۴. بخاری الجعفی، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل، ۱۹۸۷، صحیح البخاری، بیروت: دار ابن کثیر.
۵. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۹۹۶، انساب الاشراف، تحقیق سہیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر.
۶. خلیفہ بن خیاط، ابو عمر، ۱۹۹۵، تاریخ خلیفہ بن خیاط، تحقیق فواز، بیروت: دارالکتب العلمیہ.
۷. واقدی، محمد بن عمر، ۱۹۹۰، الردہ، تحقیق یحیی الجبوری، بیروت: دارالغرب الاسلامی.